

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال نوزدهم
شماره ۲۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۷ آوریل ۲۰۱۸

نقش گردهای سوریه در همدستی با امپریالیسم آمریکا ارتجاعی است

"بلیشوی" اوضاع سوریه که بیان تشدید تضادهای قدرتهای مختلف منطقه در آن است، برخی نیروهای مترقی را سردرگم کرده و نمی‌توانند دید روشنی از این مسایل داشته باشند. آنها یک نسخه‌ی از قبل آماده شده برای همه مسایل جهان دارند که از جیب بغلشان برای رفع تکلیف در هر شرایطی بیرون آورده و به صورت خسته کننده هر بار تکرار می‌کنند. به نظر آنها ماهیت نزاعی که در سوریه در گرفته است، نزاع امپریالیست‌هاست و طرف محقی در این میان وجود ندارد. چاشنی مرعوب کننده بحث آنها این است که این جنگها به ضرر مردم است. آنها قادر نیستند در میان این همه گوناگونی پدیده‌ها و رویدادها؛ آن حلقه اساسی زنجیری را پیدا کنند که با در دست نگهداشتن آن؛ پرتوی روشن بر همه زوایای تاریک این میدان بیفتد و آنها قادر باشند به تحلیل مشخص از شرایط مشخص دست زنند و جانبداری واقعی بنمایند.

در سوریه ما با دخالت روسیه، آمریکا، اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، اردن، کویت، عراق، ناتو، ممالک عربی، ایران، لبنان، فلسطین و اعمال نفوذ گروه‌های گرد و... روبرو هستیم. هر کدام از این ممالک و یا گروه‌ها؛ علائق خویش را به پیش می‌برند و طبیعتاً به علت علائق متضاد و یا همسو؛ دارای سیاستهای متضادی هستند که در مسیر رشد خود؛ جوانب و جهات آنها نیز تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال گردهای سوریه که در بدو تجاوز داعش به سوریه که دست دراز شده ارتجاع جهانی غرب بود و هست، به‌مقاومت در... ادامه در صفحه ۲

امپریالیسم آمریکا حامی تروریسم و مسئول قتل عام مردم سوریه است

در سوریه نبردی سخت در جریان است و هر کس از ظن خود و از نظر علمی از جنبه منافع و نگرش طبقاتی به ارزیابی از این واقعیت می‌پردازد. انتشار جعلیات، دروغپراکنی و شایعه‌سازی بخشی از برنامه امپریالیستی برای نابودی سوریه است. جنگ با تروریستها در تمام مطبوعات دروغ‌پرداز، جنگ داخلی تبلیغ می‌گردد، زیرا خاصیت این دروغ رسانه‌های امپریالیستی؛ آن است که از داخل آن می‌توان یک نیروی اپوزیسیون "دموکرات" اختراع کرد که باید بر سر میز مذاکره با کراوات سبز و دستکش‌های سفید بنشینند و تقاضای سهم نمایند. وقتی تروریستها با غسل تعمید دروغهای امپریالیستی به نیروهای دموکرات اپوزیسیون تبدیل شدند، طبیعتاً حق دارند در گفتگوها برای آینده سوریه؛ البته اگر نیروی قابل توجه و شناخته شده‌ای باشند، شرکت کنند. در سوریه بارها و بارها ادعا شده است که ارتش ملی سوریه که از آنها رسانه‌های دروغگوی غربی به عنوان ارتش بشار اسد نام می‌برند، برای نابودی "اپوزیسیون" از گاز سمی استفاده کرده است. علیرغم اینکه این دسیسه کارگر نیفتاده است و دولت سوریه که تمام گاز سمی تولید آلمان و ذخیره خود را نابود کرده است، باز هم این دروغ تکرار می‌گردد و این در حالی است که ثابت شده است گاز سمی توسط تروریستها و به-یاری عربستان سعودی و دولت ترکیه در شهرهای سوریه علیه مردم عادی به‌کار رفته است. ده‌ها هزار تروریست وارداتی که تعداد آنها را ۶۰ هزار نفر حداقل ارزیابی می-کنند از چین، افغانستان، ازبکستان، داغستان، ترکیه، اردن،... ادامه در صفحه ۳

قطعنامه آمریکائی-داعشی شورای امنیت برای نجات تروریست‌ها

جنگ روانی و اطلاعاتی در ابعاد جهانی، مجدداً با راه‌اندازی ماشین عظیم دروغ‌پردازی امپریالیستی و متحدان آنان آغاز شده و به‌راه افتاده است. این جنگ روانی تبهکارانه؛ ضد بشری و در خدمت تروریسم و قتل عام مردم سوریه است. مانند همیشه تابلوی عوامفریبی "حقوق بشر" بر پرچم این جانیان نوشته شده است. آنها برای حفظ جان ۴۰۰ هزار مردم سوریه که در منطقه "عاری از درگیری" غوطه شرقی؛ توسط "ارتش اسد" و روسیه بمباران می‌شوند، دل می‌سوزانند. اشک امپریالیستها و تروریستها؛ آب رودخانه‌های دجله و فرات را افزایش داده است. اینان همان کسانی هستند که در یک لشکرکشی بی‌وقفه در مناطق مورد علاقه آمریکا، موصل مرکز اعلام خلیفه‌گری بغدادی را با خاک یکسان کرده‌اند، ولی رسانه‌های گروهی و "بشردوست" غرب، هرگز در مورد آن همه جنایاتی که در موصل در کشتار بی‌وقفه مردم آن دیار انجام گرفت؛ به پخش واقعیت دست نزدند. جعل اخبار موصل در صدر اخبار وقت آنها قرار داشت. در آنجا حفظ جان انسانها مطرح نبود، حفظ منافع آمریکا مطرح بود. حال همان بمب‌هایی که به مردم غیرنظامی موصل "صدمه" نمی‌زدند، "انسانی" بودند و تنها "تروریستها" را می‌کشتند، اکنون در شهر غوطه شرقی در حومه دمشق، فقط مردم غیرنظامی را می-کشد و به تروریستها کاری ندارند. چند جاسوس کلاه سفید بی‌نام و نشان و چند پزشک آموزش دیده سلاح‌خانه‌های آمریکائی و بی‌هویت و گمنام نیز به عنوان "شاهد مورد اعتماد و بی‌طرف" مورد استناد قرار می‌گیرند. وضع پخش دروغ در تلویزیون این ممالک بقدری تهوع‌آور است که حتی مطبوعات امپریالیستی نیز نمی‌توانند وقتی سیاه بر سفید به‌چاپ مطالب می‌پردازند، همان دروغهایی را که رادیو تلویزیون از راه گوش در مغز مردم فرو می‌کنند، به همان بی‌پروائی تکرار کنند.

اخیراً دولت سوئد و کویت برای نجات جان تروریستها و ممانعت از پیروزی ارتش ملی سوریه در مناطق تروریست‌زده سوریه؛ قطعنامه‌ای با این نیت؛ به‌شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده‌اند؛ تا به‌مدت ۳۰ روز برای استراحت تروریستها و تجدید قوای آنها و رسیدن اسلحه جدید به‌دست آنها؛ آتش بس داده شود. البته این قطعنامه که ما به‌قصد ماهیت آنرا برای فهم عمومی به روشنی بیان کردیم؛ با ادبیات عوامفریبانه‌ای نگارش یافته تا در قالب دیپلماتیک گنجانده شود. این ادبیات عوامفریبانه می‌گوید که برای "حفظ جان" مردم "غیرنظامی" و رساندن آذوقه و دارو به آنها، و امکان انتقال آنها از مناطق زیر بمب به مدت ۳۰ روز آتش بس داده شود. روشن است که دولت رسمی سوریه مانع خروج مردم غیرنظامی از غوطه شرقی نبوده و نیست. آنها هر... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به‌پیوندید

نقش کردهای سوریه...

مقابل آنها دست زده از تمامیت ارضی سوریه دفاع کردند، در طی جنگ هفتساله به ابزار دست امپریالیسم آمریکا بدل شده‌اند که با وعده‌ها؛ عوامفریبها و رشوه دادنهای خویش؛ عطش ناسیونال شوینسم گرد را موقتا و عوامفریبانه برطرف کرد و در منطقه اشغالی آنها پایگاه نظامی بزرگی ساخته است، تا تمام حقوق دموکراتیک مردم منطقه را در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم نابود کند، کشورها را تجزیه نماید و مستی ممالک تحت-سلطه خویش را به وجود آورده و خاورمیانه را به صحنه جدید جنگ و ویرانی بدل کند. کردهای سوریه همچون کردهای عراق به همدست امپریالیسم بدل شده‌اند. کوته‌بینی سیاسی کردهای سوریه پس از این همه تجارب تلخ در منطقه؛ حیرت‌انگیز است و بزودی پاداش این خطای خویش را خواهند گرفت.

امپریالیسم آمریکا که نفوذش در منطقه کاهش یافته است و شاهد کنار گذاشتن خودش در مذاکرات آستانه بود، با قلدری و تکیه بر برتری قدرت نظامی خویش؛ با نقض آشکار حق حاکمیت ملی دولت مشروع و قانونی سوریه، با نقض حق ملل و منشور سازمان ملل متحد؛ ۵۰۰۰ هزار سرباز آمریکایی را به صورت غیرقانونی به منطقه گردنشین سوریه ارسال کرده است تا برای تجزیه سوریه و بازکردن جای پای خود در کشمکشهای منطقه‌ای سکوی پرشی برای حضور خود در منطقه داشته باشد. مطلعان سیاسی از حضور سی‌هزار مزدوران آمریکایی صحبت می‌کنند. امپریالیسم آمریکا برای تحقق آرزوی کردستان بزرگ که اسرائیلی‌ها خواهان آن هستند، برای حفظ امنیت آتی اسرائیل و گسترش آن در منطقه، برای کاهش نفوذ ایران، ممانعت از ساختن لوله‌های انتقال گاز ایران از طریق سوریه به اروپا و تجاوز آتی به ایران تا شرایط قبل از انقلاب بهمین را در منطقه مستقر کند، برای فتح لبنان و سرکوب نهضت فلسطین؛ برای قطع نفوذ روسیه در سوریه و از بین بردن پایگاه نظامی روسیه، برای دستیابی کامل به منابع عظیم گاز و نفتی که در منطقه پیدا شده، برای نظارت بر لوله‌های انتقال مواد سوخت از قطر؛ عربستان سعودی؛ کویت؛ عراق؛ روسیه و ایران؛ برای محاصره روسیه و کنترل جاده ابریشم چین، برای کنترل اروپا از طریق تسلط بر منابع انرژی از طریق تسلط بر منابع انرژی؛ به حضور در این منطقه نیاز حیاتی دارد. ایران از زمان جیمی کارتر بخشی از حريم امنیت آمریکا محسوب شده است و آمریکا این سیاست را با بی‌شرمی تکرار کرده، به آن عمل نموده و آنرا حق خود می‌داند. امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد این سیاست راهبردی خویش بر روی داعش سرمایه‌گذاری کرده بود که در اثر مقاومت

مردم سوریه و حمایت آنها از بشار اسد و سپس تقاضای یاری وی از ایران و روسیه آنهم به صورت قانونی؛ با شکست مقتضات-ای روبرو شد که داغ ننگش بر پیشانی همه امپریالیستهای غرب و صهیونیسم در منطقه چسبیده است. بعد از شکست آمریکا در کسب پایگاه نظامی در منطقه؛ آنها بر روی کردهای سوریه و "روژآوا" سرمایه‌گذاری کردند. کردهائی که از "تساوی زن و مرد" حرف می‌زنند، زنان‌شان بی‌حجاب‌اند و تفنگ در دست دارند و آنرا از دوشی به دوش دیگر می‌اندازند، مردانی که هوادار دموکراسی پایه‌ای بوده و از اداره کشور به طریق شورانی سخن می‌گویند و همه آنها خواستار استقرار "سوسیالیسم" در کردستان جدا از سوریه هستند. این بازی "شورائی" ضد حزبی و غیر طبقاتی که میان نیروهای منحرف، آنارشیزست و "چپ" گمراه؛ هوادارانی دارد؛ باید نیروهای فریب خورده انقلابی را که عملا همان نقش داعش را به طور عینی بازی می‌کنند- ولی خود را "کمونیست" و با "سوسیالیست" می‌نامند- برای رفتن به "کوبانه" بسیج کند و آنها را به جنگ با نیروهای ارتش ملی سوریه بکشانند. این سیاست جدید غرب؛ هم تحقق سیاستش را در تجزیه منطقه؛ تقویت می‌کرد، و هم با از بین رفتن این "کمونیست"ها؛ خیالش را در ممالک مادر از تاثیرگذاری آنها که برای شهادت عازم کوبانه شده بودند، خلاص می‌کرد. تلویزیون آلمان تبلیغات در این زمینه را به‌عهده گرفت. آنها در گذشته از نهضت سلفیستها برای پرورش داعش موزیانه حمایت می‌کردند و حالا از "کمونیستهای" آلمانی که در هنگی بین‌المللی به کوبانه رفته و می‌جنگند دفاع می‌کنند. حتی مبلغان "کمونیست" را به مصاحبه می‌آوردند، تا با تکیه بر خشونت اسد و داعش از نیروهای انقلابی، دموکرات، بشردوست و فمینیست و هواداران محیط زیست و سازمانهای مدنی و غیر دولتی بخواهند تا از این دستاورد بشریت در کوبانه یعنی از دموکراسی پایه‌ای و نظام اداری "شورائی" دفاع کرده و به آنها کمکهای انسانی و دارویی و مالی و... برسانند. اکنون وظیفه داعش را مستی انسانهای ساده‌دل مسخ شده؛ با دیدی غیرطبقاتی؛ با نابینائی سیاسی و نادانی ایدئولوژیک به عهده گرفته‌اند و مسخور تبلیغات مُد روز شده غرب‌اند. آنها در این ملغمه پیش‌رو ماهیت روند تحولات در سوریه را درک نکرده‌اند و تنها پدیده نمایشی "شورا" را دیده و شاهد بوده‌اند که زنان تفنگ به‌دوش با مردان تفنگ به‌دست شام می‌خورند. ولی با این افسانه‌ها و تبلیغات و شعبده‌بازی‌ها نمی‌شود کار مبارزه اجتماعی را به‌پیش برد. چون در عمل واقعی؛ اهداف مزورانه رو می‌شوند و عیار تنوری‌ها و گفتار روشن می‌گردد.

مجله اشپیگل در شماره ۸ سال ۲۰۱۸ مورخ ۲۰۱۸/۰۲/۱۷ تحت عنوان "جنگ قدرتهای بیگانه" در صفحه ۸۰ مجله‌اش نوشت: "اتلاف ضد داعش؛ نیروهای آمریکا را وارد سوریه منجر شد. آنها تا کنون یک چهارم کشور را در زیر نظارت خود داشته و می-خواهند چنین نیز بماند. و زمانیکه گروه‌های مسلح؛ تحت رهبری کردها در ماه سپتامبر به سمت جنوب پیشروی کردند، بال‌گردهای نظامی آمریکا؛ کردهای مسلح را به حوالی دیر الزور (توضیح اینکه این منطقه اساسا گردنشین نبوده و نیست-توفان) منتقل کردند تا هیچکس نتواند بر نفت و گاز آنجا دسترسی داشته باشد. حال آمریکائی‌ها قصد دارند از همان کردهای مسلحی که بر ضد داعش تجهیز کردند، برای ممانعت از ادعاهای قدرت‌یابی ایرانی‌ها استفاده کنند."

در همان مقاله؛ مجله اشپیگل اعتراف می‌کند که: "آمریکائیا از کردها برای منافع خودشان ... استفاده می‌کنند". البته کار به اینجا ختم نمی‌شود. بر اساس پژوهش این مجله و انتشارات تارنمای اپوزیسیون سوریه معلوم شده است که کردها که با دولت اسد و روسیه بر سر نظارت بر منابع سوخت دیر الزور که منطقه عربی و نه کردی است، توافق کرده بودند و بر این اساس قرار بوده نیروهای اسد و حامیان وی برای تحویل گرفتن این مناطق از دست کردها عازم آنجا شوند، با خیانت کردها و رساندن این اطلاعات سرّی به آمریکائی‌ها روبرو شده و آمریکائیا نیز این نیروهای اعزامی را با هوایمهای خود مورد حمله هوائی قرار داده و حدود ۲۰۰ نفر از آنها را به قتل رسانده‌اند. مجله اشپیگل در همان مقاله نوشته است که در این زمینه: "مسکو آشکارا و بشدت از دست کردها خشمگین بود". ولی این همدستی رهبران کردهای کوبانه دارای ریشه‌های عمیقتری است.

آقای تری میسان در تارنمای ولتر در مقاله‌ای تحت عنوان "هنگ‌های آنارشیزست در خدمت ناتو" برملا ساخت که: "... در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۴؛ یکی از دو رهبر یگانهای مدافع خلق YPG شاخه سوری از حزب کارگران کردستان PKK؛ صالح مسلم در یک گردهمایی سرّی در کاخ الیزه با فرانسوا هولاند و رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان شرکت کرد. در این گردهمایی طرح ایجاد کردستان در سوریه را مطرح کردند و به صالح مسلم قول دادند که اگر این طرح را بپذیرد او نیز می‌تواند رئیس جمهور این کشور شود."

البته سیر رخدادها این توهمات فرانسه و ترکیه را برهم زد، ولی ماهیت رهبران کردهای کوبانه را نیز برملا ساخت. نقش اردوغان بر اساس رشد تضادها تغییر کرد، ولی نقش صالح مسلم "سوسیالیست" ثابت ماند و سیر حوادث نشان ... ادامه در صفحه ۳

مجله اشپیگل در شماره ۸ سال ۲۰۱۸ مورخ

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

نقش کردهای سوریه...

داد و می‌دهد که وی مردم گُرد را به سلاح-خانه امپریالیسم و صهیونیسم می‌برد و مجدداً سرنوشت این مردم را وجه المصلحه بازی آمریکا-اسرائیل و روسیه قرار خواهد داد. دستگیری اخیر صالح مسلم در جمهوری چک خیلی پرده‌ها را بالا زده است.

نشریه "جهان امروز"، "نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران" در شماره ۳۸۸ نیمه اول مارس ۲۰۱۸؛ مطابق نیمه اول اسفندماه ۱۳۹۶؛ در دفاع از صالح مسلم؛ تحت عنوان "دستگیری و آزادی صالح مسلم، سرشکستگی برای اردوغان و اقتضای برای اتحادیه اروپا" نوشته است: "روز یکشنبه ۲۵ فوریه، صالح مسلم از رهبران "حزب اتحاد دموکراتیک" و مسئول بخش دیپلماسی جنبش روزآوا، در حالیکه در ادامه فعالیت‌های دیپلماتیک برای شرکت در یک سمینار به پراگ پایتخت جمهوری چک سفر کرده بود، توسط پلیس این کشور دستگیر و بازداشت شد. دستگیری صالح مسلم در پی درخواست دولت ترکیه و با هدف ضربه زدن به جنبش روزآوا و سرپوش نهادن بر شکست‌های منطقه-ای و داخلی این دولت، بویژه شکست در لشکرکشی اخیر به کانتون عفرین صورت می‌گیرد" (برگرفته از سخن روز تلویزیون حزب کمونیست ایران ۲۰۱۸/۲۸/۰۲-۱۳۹۶/۰۹/۱۲- تکیه از توفان). این تفسیر رویدادها از سر تا پا نادرست است.

البته روشن است که "جنبش روزآوا" همان حرکت فرصت‌طلبانه گُردهای تجزیه‌طلب سوریه در همدستی با امپریالیسم آمریکا بر ضد مصالح خلق‌های منطقه و تجزیه سوریه به منطقه شرق فرات و غرب فرات؛ در خدمت استراتژی جدید امپریالیسم آمریکا است و ربطی به سوسیالیسم ندارد. روشن است که آقای صالح مسلم دیپلمات ساده‌ای نیست که در سمینارهای روشنگرانه در ادامه فعالیت‌های دیپلماتیک برای کسب خبر شرکت می‌کند. این‌گونه ادعاها جعل واقعیت است. گواه آن نیز همین اخبار جعلی است که در نشریه "جهان امروز" برای منحرف کردن افکار عمومی بازتاب یافته است. حال این اخبار جعلی را با اخبار خود نشریات امپریالیستی اروپا که اتفاقاً جانانه از آقای صالح مسلم به عنوان همدست جدیدشان در سوریه حمایت می‌کنند و مرتب برای "معتبر" و "شخصیت" کردن وی مطالب می‌نویسند، مقایسه کنید.

نشریه آلمانی زودویچه سابتونگ در تاریخ ۲۰۱۸/۰۲/۲۷ یعنی در حدود ۴ سال بعد از دیدار آقای صالح مسلم در الیزه و تقریباً ۷ سال بعد از شروع جنگ؛ تحت عنوان "اردوغان امیدوار است که تحویل داده شود" در مورد دستگیری صالح مسلم یکی از رهبران گُردهای سوریه در جمهوری چک نوشت: "عواقب سیاسی دستگیری در هتل با شکوه (مربوت) انفجاری است. صالح مسلم که نام فرد دستگیر شده است، رهبر سابق حزب

کردستان سوریه (پی‌وی‌دی PYD) است. از زمانیکه وی در سن ۶۷ سالگی در سال گذشته از مقامش استعفاء داد به منزله نوعی وزیر خارجه دولت موجود منطقه خودمختار کردستان در شمال سوریه به حساب آمد. وی در این مقام هر ساله در کنفرانس سالانه پنهانی در پراگ دعوت می‌شد. در این کنفرانس نمایندگان اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در باره امنیت و سیاست دفاعی در خاورمیانه بحث می‌کردند که در آن نمایندگان ترکیه هم شرکت داشتند. دولت رئیس جمهور طیب اردوغان ... در دو هفته قبل به صدور فرمان دستگیری وی در سطح جهانی دست زد. این زمانی بود که وی از یکی از شرکت‌کنندگان ترکیه در کنفرانس در محل هتل عکسبرداری کرد. این امر را دولت ترکیه به اطلاع مقامات چک رسانید. اردوغان گفت: "امید ما این است که جمهوری چک وی را به امید خدا به‌ما تحویل دهد". (تکیه همه جا از توفان). روزنامه فوق اشاره‌ای دارد، مبنی بر اینکه بازجویی از صالح مسلم توسط مقامات امنیتی چک و نه مسئولان انتظامی صورت می‌گیرد.

زود دوچه سابتونگ ادامه داد: "حزب صالح مسلم (پی‌وی‌دی PYD) و بازوی مسلح آن (وی پی جی YPG- یگانهای مدافع خلق) در واقع مهم‌ترین متحد ایالات متحده آمریکا؛ همکار ناتوی ترکیه در مبارزه علیه تروریست‌های داعش هستند."

این برحق است که از حقوق مردم سوریه؛ از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور آنها در مقابل تجاوز بیگانه دفاع شود. هیچ نیروی بیگانه‌ای مجاز نیست به این بهانه که آقای بشار اسد انقلابی هست یا نیست برای کشور سوریه حکومت تعیین کند. این مبارزه مردم سوریه است که باید مورد دفاع قرار گیرد. ماهیت جنگ را مبارزه این مردم برای آزادی کشورشان از جنگال بربریت ناتو تعیین می‌کند. این عامل نقش قاطع، پایدار و تعیین کننده را در اوضاع سوریه دارد و نه ماهیت سوء استفاده آمریکا و متحدانش و تجاوز آنها به سوریه برای مقابله با روسیه با نیت تسلط بر انتقال گاز و نفت خلیج فارس به اروپا. نزاعی که در گرفته است جنگ امپریالیستها و یا جنگ‌های نیابتی امپریالیستی نیستند که تعیین کننده روند رخدادهای سوریه هستند. نیروهای انقلابی باید از تمامیت ارضی سوریه، حق حاکمیت ملی این کشور دفاع کنند و خواهان آن باشند که همه تجاوزکاران و دسیسه‌چینان خاک سوریه را ترک کنند. مبارزه مردم سوریه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و متحدان آنهاست، بر ضد کسانی است که حقوق این مردم را در حفظ استقلال و تمامیت ارضی سوریه به رسمیت نمی‌شناسند. فقط از این زاویه است که می‌شود برخورد درستی به مسئله سوریه داشت و از آشفته‌گویی و سر درگمی پرهیز کرد. حزب ما نه تنها از حق حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه دفاع می‌

کند، این حق را برای همه ممالک خاورمیانه و جهان به رسمیت می‌شناسد و به‌ویژه امپریالیسم غرب و ناتو را مسئول جنگ و خونریزی و تجاوز به کشورها در شرایط سیاسی کنونی جهان ارزیابی می‌کند. به این جهت شعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر صهیونیسم، زنده باد صلح و احترام به حقوق ملتها و استقلال کشورها از خواستهای حزب ماست.

امپریالیسم آمریکا حامی تروریسم...

عربستان سعودی، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و... توسط سازمانهای جاسوسی غرب و پیمان ناتو از سراسر جهان بسیج کرده‌اند و با سرمایه‌ی قطر و عربستان سعودی با مستمری قابل توجه و ثابت ماهیانه به سوریه؛ از طریق ترکیه و همکاری اطلاعاتی و تدارکاتی ناتو گسیل داشته‌اند. امری که هنوز نیز ادامه دارد.

دولت ایران که منافع راهبردی و تمامیت ارضی و حتی حق حاکمیت ملی خویش را در خطر می‌بیند، با درخواست رسمی دولت سوریه که در تمام طول جنگ علیه عراق؛ متحد ایران بود، به یاری آنها آمده است. حزب‌الله لبنان نیز که پیروزی تروریست‌های ناتو را در سوریه و روی کار آمدن داعش را به ضرر منافع ملی لبنان، به نفع اسرائیل ارزیابی می‌کند، با موافقت ضمنی دولت رسمی سوریه به یاری آنها شتافته است تا جلوی تهاجم و توحش داعش را بگیرد.

دولت روسیه که منافع استراتژیک در دریای مدیترانه داشته و سوریه تنها کشور عربی خاورمیانه است که با آنها روابط دوستی دارد، نیز در کنار دولت رسمی سوریه است، زیرا از این طریق هم پایگاه سنتی نظامی خویش را در منطقه حفظ می‌کند و هم در تحولات منطقه نقش مهمی برای اعمال نفوذ سیاست‌های امپریالیستی خویش پیدا خواهد کرد. دولت روسیه مانند دولت ایران و دولت سوریه موافق ساختمان لوله‌های انتقال گاز و نفت از طریق عراق و سوریه به دریای مدیترانه است، امری که خشم دولت قطر، عربستان و ترکیه را شعله‌ور ساخته است. دقیقاً از فردای مخالفت بشار اسد با طرح قطر مبنی بر ساختمان لوله‌های انتقال گاز از عربستان سعودی؛ عراق؛ اردن و سوریه به ترکیه بود، که دسیسه بر ضد دولت قانونی سوریه آغاز شد. امپریالیسم آمریکا می‌خواهد مناطق نفوذ خود را گسترش دهد و بعد از اشغال لیبی و نقض تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی این کشور که به نفوذ روسیه و چین در شمال آفریقا صدمه زد، خواهان آن است که با نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه به نفوذ روسیه در منطقه خاتمه داده و برای حفظ امنیت اسرائیل ممالک ایران و لبنان را به روز سیاه بنشانند و سازمان مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) را ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا حامی تروریسم...
 که همگام با جبهه خلق برای آزادی فلسطین بر ضد اشغال فلسطین می-جنگد، نابود نماید. امپریالیسم آمریکا بدون کوچکترین مجوزی در خاک کشور مستقل سوریه نیرو پیاده کرده است و در کار ساختمان یک پایگاه نظامی مهم در منطقه برای حفظ اسرائیل و تامین منافع امپریالیسم آمریکا با همدستی کردها در منطقه



سرمنشاء تروریسم است، مبارزه با تروریسم و یا حمایت از تروریسم ابزاری برای تحقق منافع خودش است. آنها تبلیغ می‌کنند که مسئله سوریه راه حل نظامی ندارد، بلکه تنها راه حل سیاسی دارد و به زبان قابل فهم منظور این است اگر دولت سوریه حتی اگر همه تروریستها را نیز نابود کند، اگر همه مردم سوریه؛ به اتفاق آراء؛ شخص بشار

اسد را مجددا در یک انتخابات دموکراتیک با نظارت جهانی؛ به ریاست جمهوری سوریه انتخاب کنند، باز هم امپریالیستها سهم خود را می‌خواهند و به جنگ بی‌توجه به سرنوشت میلیونها انسان؛ بهی‌خانمانی و دربردی و کشتار آنها؛ ادامه می‌دهند تا بر سر میز مذاکره سیاسی منافع امپریالیسم و صهیونیسم تامین گردد. تا سهم جهانخواران پرداخت نشود، جنگ ادامه دارد. بخشی از این سهم تضمین امنیت اسرائیل، سرکوب ایران و لبنان، کاهش نفوذ روسیه در سوریه است. این است که سرنوشت جنگ در سوریه اهمیت راهبردی برای خلقهای منطقه دارد. پیروزی امپریالیسم و صهیونیسم، پیروزی داعش و تروریسم در منطقه است.

سوریه در اکثریت خویش بشار اسد را به ریاست جمهوری سوریه بر خواهند گزید، زیرا آنها دیده‌اند که ماهیت نزاع در سوریه بر سر اجرای حقوق بشر و یا دموکراسی، بر سر مبارزه با رشوه خواری و اعمال نفوذخانودگی نیست، بلکه بر سر بود و نبود کشور سوریه است. "اپوزیسیون" که شهرها را با بمب نابود می‌کند و در زمان عقب‌نشینی آثار و ابنیه را تخریب می‌نماید تا زمین سوخته باقی بگذارد و یا از گاز سمی استفاده می‌نماید و یا به شهرها و مناطق مسکونی دمشق گلوله خمپاره و موشک‌های ساخت ناتو پرتاب می‌کند، نمی‌تواند ناجی سوریه باشد. این جنایتکاران نه اپوزیسیون سوری هستند و نه از مردم سوریه، آنها دشمنان مردم سوریه هستند و نابودی شهرها، آثار هنری و تاریخی و هویت ملی سوریه در دستور کار آنهاست. مردم سوریه این "اپوزیسیون" را خوب شناخته‌اند. به همین جهت نیز علیرغم دهها هزار تروریست وارداتی از جانب ناتو به این کشور، این جانپایان قادر نشدند مقاومت مردم سوریه را درهم شکنند. ولی مردم سوریه از سال ۲۰۱۱ مقاومت می‌کنند و در آینده نیز مقاومت خواهند کرد.

قطعه‌نامه آمریکایی- داعشی...
 لحظه می‌توانند این مناطق خطرناک را ترک کنند. ولی ساکنان غوطه‌شرقی از این نعمت برخوردار نیستند؛ زیرا تروریستهای داعش و همدست امپریالیسم؛ از آنها به عنوان سپر دفاعی انسانی استفاده می‌کنند و هر کس را که می‌خواهد غوطه‌شرقی را ترک کند به قتل می-رسانند. امپریالیستها و صهیونیستها که خود بانپان این روش هستند، ترجیح می‌دهند در باره این جنایت سکوت کنند. همین نمونه کوچک نشان می‌دهد که این "اپوزیسیون" سوریه؛ تروریستهای وارداتی‌اند که حتی برای جان مردم کشورشان نیز ارزشی قابل نیستند. هدف آنها نابودی و تخریب سوریه در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است.

اخیرا نیروهای تروریستی به رهبری آمریکا و ناتو؛ قرارداد آستانه میان روسیه؛ ایران و ترکیه را که خواری به‌چشم آنها بود، و در آن بر سر ایجاد مناطق امن و یا "عاری از درگیری" و حفظ آتش‌بس توافق شده بود، با حمله موشکی و پرتاب گلوله‌های خمپاره به پایگاههای محل نگهداری تانکهای ارتش سوریه در بخش "حراستا"؛ از داخل منطقه اشغالی غوطه‌شرقی برهم زدند. آنها با موشک و خمپاره از داخل مناطق اشغالی در زیر رهبری جبهه تروریستی النصر و القاعده و داعش و سایر نیروهای تروریستی به محل-های مسکونی مردم دمشق برای کشتار مردم عادی موشک و گلوله خمپاره پرتاب کردند تا شعله جنگ را در سوریه مجددا بیفزوزند. سفارت روسیه در آمریکا در پی پیشنهاد روسیه برای سرکوب تروریستها در غوطه-شرقی اعلام داشت: «ما امیدواریم که آمریکا به این نتیجه نرسیده باشد که باید عملیات مبارزه با تروریست‌های داعش، جبهه‌النصره، احرار الشام، ارتش اسلام و فیلق الرحمان که در حومه‌های دمشق عملیات انجام می‌دهند را متوقف کنند.»

روشن است که برای آمریکا که خودش

است. دولت ترکیه با توهم ایجاد عثمانی اسلامی بزرگ می‌خواهد، مناطق زیر سلطه دولت عثمانی را مجدد تسخیر کرده و پان-ترکیسم را مزوج با پان‌اسلامیسم در قالب دولت عثمانی جدید پیوند زند. در این رابطه سرکوب خلق کرد در ترکیه، عراق و سوریه با نیت دولت ترکیه همخوانی دارد. اختراع داعش و پرورش آن برای آن بود که هم دولت سوریه را سرنگون کنند، هم به نفوذ ایران و لبنان در سوریه خاتمه دهند، هم روسیه را از سوریه و سواحل دریای مدیترانه بیرون بریزند، هم سوریه را به مستعمره آمریکا و محل تاخت و تاز ترکیه، قطر و عربستان سعودی بدل کنند و هم امنیت اسرائیل را حفظ نمایند. برهم زدن نظم منطقه همانگونه که امپریالیسم آمریکا در عراق انجام داد، گرچه عملا موجب تقویت تروریسم می‌گردد، ولی ایجاد آشفتگی و هرج و مرج هم امنیت اسرائیل را با تضعیف دشمنان صهیونیسم در منطقه تامین می‌کند و هم حضور نظامی امپریالیسم آمریکا را در پشت مرزهای ایران توجیه می‌نماید. تغییر وضع سوریه به ضرر مصالح ایران است، صرفنظر از اینکه چه نوع رژیم ضد آمریکا- اسرائیلی در ایران برسر کار باشد. امپریالیسم فقط رژیمی نظیر رژیم شاه را در ایران تحمل می‌کند. رژیمی که دست‌نشانده و تحت انقیاد امپریالیسم باشد. دولت بشار اسد در سوریه در رهبری حزب بعث سوریه قرار دارد که تمام مخالفان این حزب را سرکوب نموده، به سیاست نئولیبرالی امپریالیستی روی خوش نشان داده و در عرصه خصوصی‌سازی‌ها بر اساس رهنمود بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول عمل کرده است. تشدید تضادهای طبقاتی در سوریه، شکاف میان استثمارگران و استثمارشوندگان افزایش یافته است. دولت بشار اسد دولتی غیردموکراتیک است که توجهی به استقرار حقوق بشر و قانونیت ندارد. خانواده وی مانند خانواده‌های رژیم آخوندی در ایران در مقامات کلیدی قرار دارند، البته بشار اسد در این زمینه تنها نیست اکثر رهبران دنیای کنونی از این خصوصیت برخوردارند. ولی واقعیت این است که مردم سوریه در اکثریت قریب به اتفاق خویش از رژیم کنونی سوریه دفاع می‌کنند. همه مطلعان سیاسی تأیید می‌کنند که هر زمان انتخابات دموکراتیکی در سوریه انجام شود، مردم

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

قطعه‌نامه آمریکائی- داعشی...

خاورمیانه قرار دارد. این شکست یک شکست استراتژیک برای آمریکا و ناتوست. دولت روسیه در سازمان ملل در اثر فشار سیاسی مواضع متزلزلی گرفته است. آنها به-درستی و منطقی بیان می‌کنند که برای استقرار آتش بس به دو طرف نیاز هست. یک طرف ارتش ملی و قانونی دولت رسمی و مشروع سوریه که طرف حقیقی و حقوقی است و طرف دیگر؟! که مجهول؛ اما مورد تأیید سوئد و کویت است، در پرده قرار می-گیرد و "ناپیدا" است. ارتش ملی سوریه باید آتش بس دهد، ولی طرف مقابل که نه نماینده و نه سخنگو دارد و نه مورد خطاب سازمان ملل و دولت سوئد و کویت است و نه کسی را به رسمیت می‌شناسد و نه به کسی پاسخگوست و نه می‌شود وی را دستگیر و محاکمه کرد و... حق دارد به کارش ادامه دهد. در واقع طرف دیگری در قرارداد وجود ندارد، طرفهای دیگر همان تروریستها هستند که سخنگوی رسمی نداشته و اساساً نمی‌توانند به عنوان نماینده رسمی در جایی در زیر توافقنامه‌ای امضاء بگذارند. درخواست ۳۰ روز آتش بس یعنی ۳۰ روز بی‌عملی دولت رسمی سوریه که به عنوان دولت رسمی موظف است به تعهدات جهانی خود وفادار بماند و تصمیمات شورای امنیت را به‌اجراء بگذارد. این امر ولی به معنای نیرو گرفتن مجدد تروریستهاست.

تصویب شنبه شب قطعنامه آتش بس ۳۰ روزه در سراسر سوریه توسط اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله روسیه مشخص کرد که مسکو در تحت فشار سیاسی و رسانه‌ای غرب تن به آتش بس داده است؛ اقدامی که مانع پیشروی ارتش سوریه در منطقه غوطه شرقی از یک سو و ادامه موشک باران و حملات خمپاره ای تروریستها به دمشق از سوی دیگر خواهد بود.

تصویب قطعنامه که همان امان‌نامه برای تروریستهاست، خواست دوستان آمریکائی و داعشی شورای امنیت سازمان ملل است، که با انبوهی از اشک و آه و ناله به نمایش گذارده می‌شود. این فعالیت‌ها حمایت از تروریسم محض است. دولت روسیه بر اساس بسیاری گزارشات واقعی؛ نخست با متن پیشنهادی قطعنامه مخالفت کرده و تقاضای تصحیح و تکمیل آنرا نموده است. لاورف وزیر خارجه روسیه معتقد بود که نام تروریست‌هایی که شامل مفاد آتش بس نمی‌شوند، در قطعنامه ذکر شود. بر اساس این گزارش، پیشتر لاورف با تأکید بر احتمال زدودن تمایز میان مردم عادی غیرنظامی و تروریستها و دادن این امتیاز به تروریستها تا نامشان در شمول مفاد قطعنامه آتش بس پیشنهادی امپریالیستها قرار گیرد، خطاب به "بشردوستان" امپریالیست غرب بیان کرده

بود: "ظاهراً دوستان غربی ما متأسفانه نمی-خواهند تروریستها را از نظام آتش بس خارج کنند. این امر پرسش‌ها و تردیدهای زیادی را ایجاد کرده و مسکو اعلام می‌کند که تحت چنین شرایطی این طرح پیشنهادی را رد خواهد کرد."

وی در ادامه گفتاراش تصریح کرده بود: "مسکو آماده است تا پیشنهاد مذکور را مورد بررسی قرار دهد؛ اما آتش بس هرگز نباید گروه‌های داعش و جبهه النصره و آن‌هایی که در حال همکاری با این گروه‌ها بوده و دائماً مناطق مسکونی را مورد گلوله باران قرار می‌دهند دربر بگیرد."

سفارت روسیه در آمریکا نیز توضیح داد: "ما امیدواریم که آمریکا به این نتیجه نرسیده باشد که باید عملیات مبارزه با تروریستها داعش؛ جبهه‌النصره؛ احرار الشام؛ ارتش اسلام و فیلق الرحمان که در حومه‌های دمشق عملیات انجام می‌دهند را متوقف کنند."

منابع ایران در مورد ماهیت این گروه‌ها نوشتند: "هم اکنون گروه‌های تروریستی مهمی از جمله جیش الاسلام (بازوی نظامی دستگاه اطلاعات عربستان در سوریه)؛ گروه فیلق الشام با گرایش (اخوانی و سلفی وابسته به قطر)؛ جبهه النصره (جبهه تحریر الشام مرتبط با قطر) و گروه احرار الشام (گرایش اخوانی وابسته به ترکیه) در سوریه حضور دارند."

در عرصه دروغ‌پردازی و جعل واقعیت در مورد سوریه؛ تلویزیون آلمان سرآمد است و به دولتهای اروپائی در کنار تلویزیون فرانسه خط می‌دهد. ولی نشریه زوددویچه سابتونگ

به ناتو توجه کنید:

"وزیر خارجه روسیه سرگی لاوروف قبلاً آمادگی خویش را برای صحبت در مورد یک قطعنامه اعلام کرد، ولی طلب نمود که این قطعنامه آتش بس نباید شامل مصونیت گروه-هائی شود که از جانب سازمان ملل به عنوان گروه‌های تروریستی به رسمیت شناخته شده-اند، نظیر گروه النصر و داعش و همچنین شامل گروه‌هایی که مناطق مسکونی دمشق را با خمپاره و موشک مورد حمله قرار می-دهند، باشد."

بر اساس گزارش نشریه زوددویچه سابتونگ گروه‌های تروریستی نامبرده که توافقات آستانه را به رسمیت نمی‌شناسند در ماه ژانویه به انبارهای تانک ارتش ملی سوریه در "حرسنا" حمله کردند و موجبات این جنگ را فراهم آوردند. استدلال آنها این بوده است که می‌خواسته‌اند با این پیشدستی از حملات آتی ارتش سوریه جلوگیری کنند.

نشریه زوددویچه ادامه می‌دهد: "غوطه شرقی تحت تسلط گروه‌های اسلامی است که تجهیزات فراوان دارند و با این تجهیزات مناطق مسکونی تحت نظر ارتش سوریه در دمشق را با خمپاره و موشک مورد اصابت قرار می‌دهند. مردم این مناطق می‌گویند که این بمباران‌ها شدیدترین بمبارانها در طی جنگ‌اند. در روزهای گذشته حداقل ۱۲ نفر به قتل رسیده‌اند، نارنجک‌ها مناطق قدیمی شهر را که کمتر از سه کیلومتر با جبهه فاصله دارند، مورد اصابت قرار داده است" (مورخ ۲۳ فوریه ۲۰۱۸).

امپریالیسم آمریکا جهش جدیدی را برای نفوذ در منطقه آغاز کرده است. آنها می‌خواهند مسئله تجزیه خاورمیانه را با به جان هم انداختن خلقهای منطقه و تضعیف همه آنها به انجام برسانند. جنگ ترکیه و ایران، ترکیه و سوریه، کردها با سوریه در همدستی با امپریالیسم و با ترکیه و ایران، تجزیه کشورهای منطقه و تقویت "اپوزیسیون"های خودفروخته در این کشورها راه حلی برای تحقق سیاست راهبردی تغییر جغرافیای خاورمیانه کنونی است. اسرائیل باید از انزوا؛ با ایجاد کردستان بزرگ اسرائیلی؛ به در آید و کشورها و نیروهای ضد صهیونیست در منطقه نظیر ایران، سوریه، لبنان، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و... تضعیف شوند، تا ادامه بقاء صهیونیسم مقدر باشد. این است که باید برای آینده روشن ایرانی دموکراتیک، انقلابی و مردمی؛ به شعار مرگ بر امپریالیسم؛ مرگ بر صهیونیسم تکیه کرد، زیرا این شعار مرز روشنی میان نیروهای **ضد انقلاب و انقلاب در ایران می‌کشد** و دست دشمنان ایران را رو می‌کند. این شعار باید به پرچم همه نیروهای انقلابی بدل شود. هرکس از بیان آن طفره رود ریگی به کفش دارد.



آلمان نمی‌تواند با همان بی‌شرمی و برباد دادن تنمه اعتبار خود؛ اظهار نظر کند و به جعل اخبار بپردازد و سخنانی را بگوید که در تمام دنیا عکس آنرا گفته و نوشته‌اند. وی ناچار است در مورد قطعنامه پیشنهادی سوئد و کویت که خواهان قطع بمباران غوطه شرقی به مدت ۳۰ روز هستند، به برخی واقعیت‌ها اشاره کند. حال به گزارش این نشریه متعلق

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

رویز یونیسف دشمن کمونیسم...

اتو بائر، برنشتین، کائوتسکی، منشویکها که بد و خطرناک هستند و باید با آنها مبارزه کرد و رویز یونیسف خروشچفی که رویز یونیسف خوب است و باید از ترس اعتراف به عواقب خطرناک آن برای کشور سوسیالیستی؛ آنرا آرایش نمود و از آن به لطایف الحیل حمایت کرد.

کسانی که دست خود را در مبارزه با نیکیتا خروشچف این رهبر "کبیر" حزب "کمونیسف" شوروی می‌بندند، طبیعتاً توانائی آنرا ندارند که برضد منشویسم، برضد رویز یونیسفهای اروپائی و انترناسیونال دوم مبارزه کنند. رویز یونیسفهای خروشچفی قادر نیستند این تناقض را حل کنند. نفی دیکتاتوری پرولتاریا خیانت به کمونیسف است، چه توسط کارل کائوتسکی مرتد صورت پذیرد و چه توسط خروشچف-برژنف در حکومت.

رویز یونیسفها دشمنان مارکسیسم هستند؛ زیرا در اصول اساسی آن تجدید نظر نموده‌اند. روشن است تجدید نظر در مارکسیسم به بهانه تکامل آن تجدید نظر درستی نیست.

رویز یونیسفها عمال بورژوازی در طبقه کارگرند، برای اینکه جهت مبارزه طبقه کارگر را منحرف کرده و آنها را از مبارزه طبقاتی باز داشته به سازش طبقاتی می‌کشاند. آنها تاریخ جوامع بشری را تاریخ مبارزه طبقاتی ندانسته؛ تاریخ سازش طبقاتی می‌دانند و به نیروی طبقه کارگر برای ساختمان سوسیالیسم اعتقادی ندارند. آنها به گذار قهرآمیز اعتقادی نداشته به پارلمانتاریسم بورژوائی دل بسته‌اند و به هر وسیله‌ای می‌خواهند در دولت‌ها شرکت نموده و یا به عنوان اپوزیسیون دست‌آموز آنها فعال باشند.

امکان بروز رویز یونیسف در احزاب کمونیستی نه در گذشته منتفی بوده و نه در آینده منتفی خواهد بود، زیرا مبارزه طبقاتی حتی در درون احزاب کمونیستی به خاطر اینکه در احاطه سرمایه‌داری و تفکر بورژوائی هستند ادامه دارد. با رویز یونیسف از جمله باید با تشدید مبارزه ایدئولوژیک در درون احزاب و در بیرون با دشمنان کمونیسف مبارزه کرد. به این جهت باید ماهیت و کنه رویز یونیسف را که نفی مبارزه طبقاتی و جایگزینی آن با آشتی طبقاتی را به دنبال دارد، شناخت. رویز یونیسفها پدیده‌های اجتماعی را از ماهیت طبقاتی آن جدا می‌کنند و از آنها پدیده‌های بی ضرری می‌سازند که به کام بورژوازی است. برای آنها مفاهیم آزادی، دموکراسی، جنگ، صلح، دولت و... همه مفاهیم مافوق طبقاتی و به نفع "عموم" هستند. از نظر آنها فقدان دموکراسی که آنرا نه طبقاتی بلکه مافوق طبقاتی جلوه می‌دهند به ذهنیات افراد وابسته است. اگر رَجُل سیاسی خوب باشند، دموکراسی اجراء می‌شود و اگر بد باشند، آنوقت ما با استبداد روبرو هستیم. به نظر آنها ما دموکرات خوب داریم و دموکرات بد و نه دموکراسی طبقاتی.

تا زمانیکه طبقات و مبارزه طبقاتی در جامعه وجود دارد، یعنی تا زمان پیروزی نهائی کمونیسف؛ تا آن زمان مسئله پیروزی کی بر کی هنوز مطرح است و اهمیت خود را از دست نمی‌دهد. یکی از اشکال این مبارزه کمونیسفها؛ مبارزه ایدئولوژیک است و از جمله مبارزه با رویز یونیسف تا در این پیکار طبقاتی؛ طبقه کارگر همیشه گوش به زنگ و هشیار بماند و باشد.

رویز یونیسفها عوام‌فریبانه خودشان را مارکسیست لنینیست جا می‌زنند و خطر عوام‌فریبی آنها نیز در همین است. اگر رویز یونیسفها شهادت داشته و با صراحت می‌گفتند که به مارکسیسم اعتقادی ندارند، مبارزه طبقاتی را نادرست دانسته، دیکتاتوری پرولتاریا را نمی‌پذیرند و یا اینکه دولت‌ها ماهیت طبقاتی نداشته تنها برای اداره کشور توسط احزاب "مصلح برای کشور" به نفع همه طبقات هستند و یا اعتراف می‌کردند دموکراسی دارای ماهیت طبقاتی نیست، آنوقت شناخت این دشمنان بیرحم طبقاتی کارگران آسان بود. بیرحمی این رویز یونیسفها را شما در اتحاد شوروی سوسیالیستی می‌بینید که چگونه یک کشور سوسیالیستی را تغییر ماهیت داده و فروپاشاندند. رویز یونیسف بیماری خطرناکی است که دامنه عوام‌فریبی آن بسیار گسترده است و شما ناظرید که علیرغم اینهمه فجایعی که به بار آورده است؛ هنوز هم پیروانی دارد که به معجزه رویز یونیسف دخیل می‌بندند. هواداران سابق شوروی که این دنیای غارتگر رویز یونیسفی را تا روز آخر سوسیالیستی می‌دانستند، هنوز هم دل‌بسته پوتین دشمن کمونیسف هستند و برای امپریالیسم روسیه حساب جداگانه‌ای باز می‌کنند. کسانی که قادر نباشند با رویز یونیسف خروشچفی و عواقب آن در شوروی مبارزه کنند، هرگز قادر نخواهند بود با مشابهات آن در جهان و یا در احزاب کمونیستی مبارزه کنند، زیرا درک روشنی از کمونیسف ندارند. آنها تفاوتی میان مضمون و شکل نمی‌گذارند. ادعا را با واقعیت هم‌تراز می‌کنند. کمونیسف را با رویز یونیسف مساوی قرار می‌دهند.

خطر رویز یونیسفها مجدداً در حال افزایش است زیرا ایران آبیستن رویدادهای فراوان بوده و جامعه در وضعیت انفجاری به سر می‌برد. در این شرایط وحدت کمونیسفها در حزب طبقه کارگر شرط رهبری متمرکز؛ موثر و هشیارانه در مبارزات و طغیانهای آتی مردم است. در غیر این صورت رویز یونیسفها مجدداً تخم پراکنندگی و سردرگمی را در جنبش می‌کارند و به بورژوازی و جریانهای تروتسکیستی و آنارشویستی و اکونومیستی برای منحرف کردن طبقه کارگر خدمت می‌کنند. در این مرحله برای مقابله با دشمنان طبقه کارگر به مسئولیت کمونیستی و انقلابی برای برخورد به مسایل نیاز است. کسانی که هنوز بر سر

دوراهی قرار دارند خوب است با احساس مسئولیت کمونیستی شهادت آنرا داشته باشند که در فرای سایه خویش قرار گیرند. در حزب کار ایران توفان به روی همه کمونیسفهای صمیمی باز است.

عربستان سعودی یکی از ارکان

در افغانستان و داعش در عراق و سوریه هماهنگی ایجاد کند. حمایت ضمنی عربستان سعودی از خودمختاری کردستان عراق و "همجوار" کردن مرز ایران با اسرائیل در متن این سیاست راهبردی صورت می‌گیرد. دولت عربستان سعودی از ترس رژیم ایران و در متن سیاست راهبردی آمریکا، به اسرائیل نزدیک شده است و به همکاری پشت پرده با آنها مشغول است و این امری نیست که از چشم مطلعان سیاسی پنهان بماند. عربستان سعودی با همدستی نظامیان در مصر، حکومت اخوان المسلمین را که رقیب و هابیسیم می‌دید، سرکوب کرد و به فشار به کشور قطر متوسل شد تا آنها را از حمایت از حماس و اخوان المسلمین باز دارد. آنها می‌خواهند پرده‌دار کعبه به هر قیمت باقی بمانند و رهبری دنیای اسلام را در چنگ داشته باشند، زیرا این خانه‌سپاه سنگی مقدس، غاری مملو از گنج بی‌پایان است. درآمد آن بیش از درآمد مخازن نفت عربستان سعودی است.

عربستان سعودی در تهاجم دیپلماتیک، سیاسی و نظامی اخیر خویش نشان می‌دهد که دست در دست اسرائیل کار می‌کند و به میل این کشور مانع می‌شود که ممالک اسلامی در مقابل همدستی گردهای بارزانی با صهیونیسم اسرائیل، برای تجزیه عراق به حمایت از دولت عراق برخیزند. دولت نتانیاهو در عین اینکه به مثابه تنها کشور جهان به صورت آشکار از گردهای ناسیونال شونیست تجزیه طلب عراق حمایت کرده و آنها را تشویق به جدائی کامل نموده، که باید برای همسایگان نیز سرمشق باشند در کنار عربستان سعودی و آمریکا قرار دارد که از ته دل از این امر رضایت داشته به تجزیه دامن می‌زنند و در پی تغییر جغرافیای منطقه هستند. نشریه میدل ایست آی نوشت:

"از آن زمان بین دو رژیم منافع مشترکی شکل گرفت به ویژه در دو دهه اخیر. به طور اخص هر دو رژیم خواستار مقابله با تلاش‌های اتمی تهران و همچنین توقف نفوذ منطقه‌ای ایران و تبدیل شدن این کشور به هژمون منطقه بودند.

در نتیجه استراتژی‌های مشترکی میان مقامات اسرائیلی در ارتش و اطلاعات ایجاد شد و این مقامات شروع به دیدار با همتایان عربستانی‌شان کردند.

رئیس سازمان اطلاعات اسرائیل موساد با رئیس سازمان اطلاعات عربستان و رئیس شورای امنیت ملی... ادامه در صفحه ۷

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

عربستان سعودی یکی از ارکان

این کشور دیدار داشت.

بر اساس گزارش‌ها ایهوت اولمرت نخست وزیر وقت اسرائیل نیز با بندر بن سلطان زمانی که رییس سازمان اطلاعات و به طور همزمان رییس شورای امنیت ملی کشورش بود دیدار کرده بود.

میر داگان رییس موساد بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ با ریاض درباره احتمال پذیرش طرح اسرائیلی برای پرواز بر فراز حریم هوایی عربستان در صورت نیاز به حمله به سایت-های هسته‌ای ایران گفت و گو کرده بود.

همه این دیدارها و گفت و گوها به شدت طبقه بندی شده و محرمانه بوده است. مقامات اسرائیل می‌دانند که هر نوع تاییدی بر این دیدارها به شدت آل سعود را شرمزده خواهد کرد.

از دوران نتانیاهو تنها صحبت‌های مبهمی درباره منافع مشترک طبقه حاکمه جهان سنی با اسرائیل علنی شده است. اما اکثر ناظران و تحلیلگران می‌دانند که چنین عباراتی در واقع به صورت رمزی به عربستان و امارات و بحرین و عمان و حتی قطر اشاره دارد.

یاریو لوین وزیر گردشگری اسرائیل در سفر اخیر خود به لهستان گفته بود از آمریکا برای گفت و گو میان وزارت خانه‌اش با کشورهای مختلف خلیج فارس درخواست کمک کرده است.

مسیر زمینی دیگری که درباره آن صحبت کردیم مسیر ریلی بین اسرائیل و اردن و عربستان و قطر و عمان و امارات است.

اسرائیل ۶۰ کیلومتر مسیر ریلی از بندر حیفا به بیت شین در اردن دارد. این رژیم می‌خواهد این مسیر را به اندازه ۶ کیلومتر دیگر در مرز اسرائیل و اردن امتداد دهد. این می‌تواند برای انتقاد کالا با قطار به جای استفاده از کامیون مثر ثمر باشد.

همین نشریه تأیید می‌کند: "با همه این‌ها روابط اقتصادی و تجاری بین اسرائیل و عربستان هم اکنون نیز بدون جدی شدن مسیر

ریلی آغاز شده است.

اسرائیل محصولات کشاورزی، اطلاعاتی و سایبری و همچنین تکنولوژی‌های امنیتی‌اش را به بحرین، عمان و عربستان و امارات می‌فروشد.

بیشتر این مبادلات از طریق یک کشور سوم مانند اردن و عراق و کردستان و یا قبرس انجام می‌شود و برخی از آنها به صورت مستقیم.

محصولات صنایع پتروشیمی نظیر مواد خام نیز از عربستان و از طریق اردن به دست اسرائیل می‌رسد."

عربستان سعودی با این سیاستش در پی تجزیه بخشهای بزرگی از ایران است. آنها از جنبش‌های ناسیونال شونیست گرد ایران برای تجزیه ایران حمایت می‌کنند و در ضمن جریانهای تجزیه طلب در خوزستان و بلوچستان را تقویت می‌نمایند. رهبران جریانهای گرد ناسیونال شونیست ایرانی حتی به همدستی با عربستان سعودی و دریافت حمایت‌های گوناگون از آنها افتخار نیز می‌نمایند. در کنار نزدیکی عربستان به اسرائیل و تلاش برای تجزیه ایران و یاری به اپوزیسیون خودفروخته ایران، عربستان سعودی مجبور شده در اثر فشار جهانی از یک طرف و گستردگی شبکه مجازی گوگل، فیس بوک، یاهو، ایفون و... که مرزها را از بالای سر ماموران سانسور می‌پیمایند به

تغییراتی تن در دهد که تا دیروز غیرقابل تصور جلوه می‌کرد. بیکباره حقوق زنان در مرکز توجه سلطان سلمان قرار گرفته است. آنها حق رانندگی دارند، آنها حق ورزش دارند و مهمتر اینکه آنها حق دارند به استادیومهای ورزشی همراه با همسران و یا بستگان مذکر خود بروند. این "حرمت" شکنی عربستان سعودی از یک طرف برای بستن دهان منتقدان به سیاستهای این کشور است و از جانب دیگر یک دهن‌کجی آشکار به رژیم جمهوری اسلامی است که با تمام قدرت مانع از آن است که زنان کشور ما در استادیومهای

ورزشی شرکت داشته باشند. حال توپ به زمین رژیم ایران افتاده است و باید در مقابل این مانور عربستان سعودی که از ایران در عرصه "اصلاحات" سبقت گرفته است، واکنش نشان دهد. اقدامات عربستان سعودی نگاهی به وضعیت سیاسی ایران و استفاده تبلیغاتی از تضادهای اجتماعی کنونی در جامعه ایران دارد و در این امر موفق بوده است.

عربستان سعودی ابزاری برای دخالت در کشورهای منطقه با نشستن بر انباری از دلارهای نفتی است. این کشور توانست با زور تهدید و پول و فشار در گزارش سازمان ملل متحد که این کشور را در فهرست سیاه قرار داده بود و متهم به کشتن کودکان در یمن کرده بود خارج کند. این دومین بار است که عربستان سعودی با این روش در اعمال سیاستهای زورگویانه خویش از مرز بی-شرمی گذر می‌کند. عربستان سعودی با این پشتوانه مالی، سیاسی و دیپلماتیک مورد توجه دنیای صهیونیسم و امپریالیسم است تا وی را آرایش کرده و به جنگ ایران بفرستند. تلاش ارتجاع جهانی برای جلب افکار عمومی برای محق جلوه دادن سیاستهای تجاوزکارانه عربستان سعودی است. وضعیت این کشور را باید در متن سیاست راهبردی امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه مورد ارزیابی قرار داد تا ماهیت این همه تناقضات روشن شود.

به توفان در تلگرام خوش آمدید

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۴۰ فروردین ماه ۱۳۹۷ را در تارنمای توفان مطالعه نمایید

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 217 Apr. 2018

عربستان سعودی یکی از ارکان نفوذ امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه

ماهیت تحولات اخیر در عربستان سعودی را چگونه باید ارزیابی نمود؟ عربستان سعودی است که بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی توسط قدرتهای امپریالیستی با توجه به توازن جدید قدرتهای آنها در چارچوب تقسیم مجدد جغرافیای جهان، ایجاد شد. همان کسانی که این کشور را برپا داشتند، می‌توانند به راحتی فرمان بر نابودیش دهند. دونالد رامزفلد وزیر دفاع وقت آمریکا و دیک چنی معاون جرج بوش پسر، بارها به این "اشتباه خدای یگانه انتقاد کرده‌اند که چرا مخازن عظیم نفتی آمریکا را در زیر خاک عربستان سعودی" قرار داده است. این گفتار که ظاهراً به طنز بیان می‌گردد، حاکی از آن است که این کشور فاقد حق حاکمیت ملی واقعی و تمامیت ارضی قابل احترام است. بود و نبودش در دست آمریکاست. البته عده‌ای استناد می‌کنند که اگر عربستان سعودی که میلیاردها دلارش را در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده است مصمم شود این ثروت را از خاک آمریکا خارج کند کشور آمریکا با بحران روبرو خواهد شد. این پژوهشگران طوری سخن می‌گویند و تحلیل می‌کنند که گوئی ریش و قیچی در دست ملک سلمان است و کافی است که به اشاره انگشت وی، آمریکا متلاشی شود. حال آنکه حقیقت عکس آن است. ثروتی را که عربستان سعودی به آمریکا برده است، بدون اجازه آمریکائی‌ها نمی‌تواند از آنجا خارج کند. آنها همانگونه که ثروت دولت لیبی و ثروت شخصی معمر قذافی را یک شبه خوردند و ریش نیز یک کوزه آب نوشیدند، می‌توانند در عرض چند ساعت ثروت عربستان سعودی و همه اتباعش را به عنوان همدستان تروریسم بین‌الملل و پدروانده القاعده که درست نیر هست، بالا بکشند. آمریکا فقط زبان گلوله و زور را می‌فهمد و هرگز به هیچ سنت، ضابطه، توافقنامه و قرارداد جهانی احترام نگذاشته و نمی‌گذارد. سران عربستان سعودی نیز از این پوسیدگی حکومت و عقب‌ماندگی کشورشان خیر دارند. میلیاردها دلار ثروت مردم این کشور به جیب خاندان سعودی می‌رود و آنها مانند طفیلی با مفتخوری با استبداد مخوف بر جامعه عربستان حکومت می‌کنند.

عربستان سعودی و اسرائیل، به ویژه دو کشوری بودند که بیش از همه در اثر تحولات منطقه در این عرصه هراسناک شدند به خصوص که دیدند بعد از تجاوز امپریالیسم آمریکا به عراق، نفوذ ایران در این کشور رو به افزایش نهاده و دامنه آن تا لبنان، سوریه، بحرین و یمن نیز گسترش یافته است.

از آن تاریخ عربستان سعودی مستمراً برای کاهش نفوذ ایران در منطقه از هیچ جنابیتی فروگذار نکرده است. اقدامات گسترده تروریستی و عملیات انتحاری در عراق، سوریه، پاکستان، تقویت القاعده، طالبان و داعش، تسلیح خویش تا دندان به‌یاری امپریالیسم آمریکا که زمام امور نظامی این کشور را صد در صد در اختیار دارد، تجاوز به بحرین و یمن، استخدام مزدور و اجیر از سودان و ممالک افریقائی، تحریک دولت پاکستان برای تجاوز به ایران و... از نمونه کارهای این رژیم علیه ایران است و به قولی در خفا به آمریکائی‌ها گفته بوده است که "ایران ماری است که باید سرش را به سنگ کوفت". اخیراً عربستان سعودی بر روی اپوزیسیون خود فروخته ایران از جمله سلطنت طلبان، مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان ایران و پاره‌ای جریانهای ناسیونال شونیست کرد ایرانی سرمایه‌گذاری کرده است و تلاش دارد که میان فعالیت‌های خرابکارانه و تجزیه طلبانه این اپوزیسیون و مزدوران طالبان... ادامه در صفحه ۶

رویزیونیسم دشمن کمونیسم است نه دوست آن

اگر به سخنان پیروان رویزیونیسم شوروی و یا فریب‌خوردگان دنیای "سوسیالیستی خروشچفی" گوش فرا دهید، به درستی می‌گویند که سوسیال دموکراتهای اروپائی که همه آنها ضد لنینیسم بوده و در مقابل لنین قد علم نموده و در جنگ اول جهانی در کنار امپریالیستهای خودی قرار گرفتند، سراپا رویزیونیست و خائن به طبقه کارگر هستند. آنها در انترناسیونال دوم به سوسیالیسم خیانت نمودند و لذا کمونیستها ناچار شدند، برای مبارزه با رویزیونیستهای انترناسیونال دوم؛ انترناسیونال سوم را به‌وجود آورند. از نظر رویزیونیستهای پیرو خروشچف؛ به‌درستی؛ همه احزاب سوسیال دموکراتیک غرب؛ احزاب رویزیونیست و دشمنان طبقه کارگرند. ولی این رویزیونیستهای مسحور شوروی حاضر نیستند همان نسخه‌ای را که برای سوسیال دموکراسی اروپائی می‌پیچند برای رفع بیماری خویش نیز مورد استفاده قرار دهند. به نظر آنها رویزیونیسم بر دو نوع است رویزیونیسم... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کاربران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسائید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی

Postbank Hamburg

BLZ: 20110022

KontoNr.: 2573372600

Germany

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس مکاتبات

Toufan

Postfach 11 38

64526 Mörfelden-Walldorf

Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند